

# بر گستره کتاب و سنت

تألیف

سید مرتضیٰ عسکری

ترجمه

محمدجواد کرمی

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

سوره احزاب، آیه 21

به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما اسوه و سرمشق نیکویی است، برای آنان که به خدا و روز قیامت امید داشته و خدا را بسیار یاد می کنند.

مقدمه ناشر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين كثيراً كما هو أهله، والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين، سيما بقیة الله فی العالمین، واللعنة على أعدائهم ومخالفیهم ومنكری فضائلهم.

همانا انبیای الهی و در پی ایشان اوصیای آنها و در دوران غیبت علمای دین گشایندگان راه و روشن کنندگان مسیر الی الله هستند. مثل آنها مانند ماه و ستارگان در شب تاریک و ظلمانی است. سوسو زنان هدایتگر جا ماندگان در راهند. انبیا و اوصیای ایشان طلیعه داران این مکتبند. علما و فقهاء پیروان ایشانند در دوران غیبت در شناسایی سیره انبیا و اوصیا که حقیقت اسلام است و در اعمال و حرکات و گفتار آنان تجسم شده است. این علما و فقها هستند که سره و ناسره را از هم جدا کرده و به کنکاش در حقیقت اسلام پرداخته و آن را در اختیار مردم قرار می دهند تا آنان را از غرق شدن در گرداب جهالت نجات دهند.

حضرت آیت الله علامه عسکری یکی از این شخصیت‌های نادر در جامعه اسلامی تشیع است که عمر شریف و با برکت خود را در تحقیق و تدبر در شناخت اسلام مکتب اهل بیت علیهم السلام گذرانده است. ایشان مباحث دینی را از جایگاه

برخوردهای سطحی به عمق تحقیق علمی کشاند و به دور از تعصبات مذهبی و با ادله مورد قبول دو مکتب اهل بیت و مکتب علیهم السلام خلفا به دفاع از مذهب تشیع پرداخت. بدین سبب تألیفات معظم له در سراسر جهان اسلام اشتهاار خاصی یافته و به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر گردیده است.

کتاب حاضر تدوین شده 17 جزوه بر گستره کتاب و سنت است که در سالهای قبل به صورت مجزا و در قطع جیبی چاپ گردیده است و شامل بررسی و پاسخهای جامع و مانع ایشان از مصادر و کتب معتبر اهل سنت به مسائل مطرح شده آنها علیه مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری در جهت حمایت مادی و معنوی از فعالیتها و آثار علامه عسکری و گسترش هر چه بیشتر دامنه این فعالیتها در سطح جوامع اسلامی تشکیل شده است.

روابط عمومی موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

## مقدمه

(وحدت بر محور کتاب و سنت)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَالسَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ الْبَرَّةِ الْمَيَامِينِ.

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به تفرقه و شوکتیمان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ما چیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛<sup>۱</sup>

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و قدرت و شوکت شما برود!  
آری:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛<sup>۲</sup>

هر مصیبتی به شما رسد، دستاورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می‌بخشد!  
پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به «کتاب و سنت» بازگردیم و وحدت کلمه خود را بر محور «کتاب و سنت» بازیابیم که خدای متعال می‌فرماید:

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ؛<sup>۳</sup>

اگر در چیزی نزاع کردید [حکم] آن را به خدا و رسول بازگردانید.

ما نیز، در این سلسله از بحثها به «کتاب و سنت» مراجعه کرده و ابزار روشنگر راهمان در مسائل مورد اختلاف را از «کتاب و سنت» می‌گیریم تا - به اذن خدای متعال - بار دیگر وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی شود.  
امیدواریم دانشمندان و متفکران اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاههای خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

۱. سوره انفال، آیه ۴۶.

۲. سوره شوری، آیه ۳۰.

۳. سوره نساء، آیه ۵۹.

# مُصْحَف در روایات و اخبار

## 1. معنای مُصْحَف در لغت عرب

در زبان عرب، به چیزی که در آن می‌نویسند «صحیفه» و جمع آن را، صحائف، صُحُف و صُحُف گویند.<sup>4</sup> و «مُصْحَف» و «مُصْحَف» را، «الجامع بین الدفتین» یعنی مجموعه میان دو جلد، نامند. در تفسیر «دفتین» گفته‌اند: الدَفَّة: جنب و پهلو و صفحه هر چیز است. پوست کشیده شده بر دو روی طبل را که بر آن می‌کوبند نیز، «دَفَّتَا الطَّبَل» یعنی جلدهای دو طرف طبل نامیده‌اند. و از این رو، جلد اول و آخر کتاب را نیز «دَفَّتَا الْمُصْحَف» یعنی دو جلد در بردارنده «صفحات» کتاب می‌نامند، و هرگاه می‌گویند: «حَفِظَ مَا بَيْنَ الدَّفَّتَيْنِ»<sup>5</sup> مقصودشان این است که، کتاب در میان دو جلد آن محفوظ است. بنابراین، «مُصْحَف» نام کتاب جلد شده است. زیرا، اگر «صحیفه» همان است که در آن می‌نویسند و جمع آن صُحُف، «مُصْحَف» نیز، جامع و دربردارنده «صُحُف» است که میان دو جلد است. پس، «مُصْحَف» در کلام عرب به معنای «کتاب جلد شده» در زبان فارسی است، چه قرآن باشد و چه غیر قرآن.

## 2. مُصْحَف در اصطلاح صحابه

واژه «مُصْحَف» در روایات «جمع قرآن» تا زمان عثمان، به همان معنای لغوی به کار رفته است. بخاری از صحابی «زید بن ثابت» روایتی دارد که فشرده آن چنین است: زید گوید: «خليفة ابوبکر به او دستور داد تا قرآن را جمع کند. گوید: همه قرآن را گرد آوردم. صفحات گرد آمده نزد ابوبکر بود تا از دنیا رفت. سپس در حیات عمر نزد او، و پس از وی نزد حفصه دختر عمر باقی بود.» بخاری بعد از آن از انس روایتی آورده که فشرده‌اش چنین است: «هنگامی که عثمان تصمیم به جمع قرآن گرفت او را نزد حفصه فرستاد که «صُحُف» و نوشته‌ها را نزد ما بفرست تا «مصاحف» را از روی آنها نسخه‌برداری کنیم و سپس به تو باز گردانیم... تا آخر خبر.»<sup>6</sup> بدیهی است که واژه «صُحُف» و «مصاحف» در این دو روایت، به همان معنای لغوی یعنی: نوشته‌ها و کتابهای جلد شده، آمده است. صریح‌تر از آنچه در روایت بخاری آمده، روایاتی است که ابو داود سجستانی [سیستانی] در باب: «جمع قرآن در مصحف» در کتابش به نام «المصاحف» به گونه زیر آورده است:

<sup>4</sup> . مراجعه کنید: مفردات، راغب؛ لسان العرب، ابن منظور؛ المحکم، ابن سیده؛ الصحاح، جوهری؛ قاموس المحيط، فیروز آبادی، ماده صحف.

<sup>5</sup> . مراجعه کنید: تاج العروس زبیدی؛ المعجم الوسیط، ماده دفت.

<sup>6</sup> . صحیح بخاری، کتاب فضائل القرآن، باب جمع القرآن، ج ۳، ص ۱۵۰.

الف - از محمد بن سیرین روایت کند که گفت:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، علی علیه السلام سوگند خورد که جز برای نماز جمعه ردا بر دوش نگیرد تا قرآن را در «مُصْحَف» جمع کند.

ب - از ابی‌العالیه روایت کند که:

آنان قرآن را در زمان خلافت ابی‌بکر در یک «مُصْحَف» جمع کردند.

ج - از حسین روایت کند که:

عمر بن خطاب دستور جمع قرآن را داد، و او اولین کسی بود که قرآن را در «مُصْحَف» جمع کرد.<sup>7</sup>

استشهاد ما به این روایات سه‌گانه از آن رواست که:

در زمان روایت آنها معنای «مُصْحَف» اعم از قرآن بوده است، و چنانکه گذشت، در آنها به ترتیب آمده بود:

الف - تا قرآن را در «مُصْحَف» جمع کند.

ب - قرآن را در «مُصْحَف» جمع کردند.

ج - دستور جمع قرآن را داد، و او اولین کسی بود که قرآن را در «مُصْحَف» جمع کرد.

حال، اگر «مُصْحَف» در نزد آنان همان قرآن بود معنای روایات بدین گونه می‌شد:

الف - تا قرآن را در قرآن جمع کند.

ب - قرآن را در قرآن جمع کردند.

ج - او اولین کسی بود که قرآن را در قرآن جمع کرد.

### 3. مُصْحَف در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام

«مصحف» در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام نیز، به همان معنای لغوی مکتب خلفاست. کلینی در کافی باب: «قراءة

القرآن فی المصحف» روایت کند که:

1. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مَتَّعَ بَبَصَرِهِ، وَخَفَّفَ عَنِ الْوَالِدِيهِ، وَإِنْ كَانَ كَافِرًا يُؤْتَى بِهِ.

هر کس قرآن را در «مُصْحَف» تلاوت کند، دیدگانش را بهره‌مند و پدر و مادرش را - اگرچه کافر باشند - سبک‌بار گرداند.

2. و نیز، فرموده:

قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ، وَلَوْ كَانَ كَافِرًا.

تلاوت قرآن در مصحف، عذاب پدر و مادر را - اگرچه کافر باشند - کاهش می‌دهد.<sup>8</sup>

پس، با توجه به آنچه آوردیم، «مُصْحَف» در کلام صحابه و تابعین و راویان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت علیهم السلام به

<sup>7</sup> کتاب المصاحف، عبدالله بن ایداد سجستانی متوفای [۳۱۶ هجری]، تصحیح دکتر اثر جفری، چاپ اول، قاهره [۱۳۵۵ هجری]. روایات الف و ج در ص ۱۰ و روایت ب در ص ۹، آمده است.

<sup>8</sup> اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳، چاپ تهران، ۱۳۸۸ هجری.

معنای: «کتاب جلد شده» به کار رفته است. یعنی: «مُصْحَف» در گفتگوها و محاورات صدر اسلام در همان معنای لغوی استعمال شده، و پس از آن، در دوره‌های بعد، قرآنِ مدوّنِ جلد شده به «مُصْحَف» شهرت یافته است.

#### 4. «مصحف» در اخبار مکتب خلفا

در مکتب خلفا کتابهای دیگری جز قرآن را نیز، «مصحف» نامیده‌اند که از جمله آنهاست:

##### مصحف خالد بن معدان

ابن ابی داود [متوفای، 316 هجری]، ابن عساکر [متوفای، 571 هجری]، مزّی [متوفای، 724] و ابن حجر [متوفای، 852] در شرح حال خالد بن معدان گویند:

علم خالدبن معدان در «مُصْحَف» وی بود که تُکمه و جای تُکمه داشت.<sup>9</sup>

##### معرفی خالد بن معدان

خالد بن معدان از بزرگان علمای شام و از تابعین در اسلام بود که هفتاد نفر از صحابه را درک کرده است. ابن اثیر [متوفای، 630 هجری] در ماده «الکلاعی»<sup>10</sup> شرح حال او را آورده و گوید: خالد در سال 103 یا 104 یا 108 هجری از دنیا رفته است.

#### 5. شهرت واژه «مُصْحَف» در نوشته‌های جلد شده

استعمال واژه «مصحف» در آنچه نوشته و جلد شده، یعنی کتاب مجلد، در نزد علما و پژوهشگران مکتب خلفا، مشهور و متداول بوده که دو نمونه آن را می‌آوریم:

الف) ابن ابی داود سجستانی از بزرگان قرن سوم هجری در کتاب خود المصاحف - چنانچه گذشت - عنوان داشته که:

1. ابوبکر صدیق (رض) پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، قرآن را در «مصاحف» گرد آورد.

2. علی بن ابی طالب (رض) قرآن را در مصحف جمع کرد.

3. عمر بن خطاب (رض) قرآن را در مصحف گرد آورد.

ب) از علمای معاصر نیز، ناصرالدین الأسد در کتاب خود مصادر الشعر الجاهلی گوید: آنان واژه «مصحف» را بر کتاب جمع شده اطلاق می‌کردند و مرادشان از آن، مطلق کتاب بود، نه قرآن تنها. از جمله آنها ... تا آخر خبر. او سپس داستان «مصحف» خالد بن معدان را نیز، از کتاب مصاحف ابن ابی داود سجستانی آورده است.<sup>11</sup>

#### 6. مصحف در اصطلاح امتهای گذشته و نامگذاری کتب دینی سابق به «مصحف»

ابن سعد در طبقات به سند خود از قول سهل مولای عتیبه روایت کند که گفته است: او فردی نصرانی و از مردم «مریس» بوده، یتیمی که در دامن پدر و عمویش پرورش یافته و انجیل را تلاوت می‌کرده است. گوید: من «مصحف»ی را از

<sup>9</sup> . المصاحف، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ تاریخ دمشق، خطی، کتابخانه دمشق نسخه تصویری «مجمع علمی اسلامی» به شماره ۵، ۲، ۲۵۹؛ تهذیب الکمال، خطی، نسخه تصویری مجمع علمی اسلامی، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۱۹.

<sup>۱۰</sup> . اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۳، ص ۶۲-۶۳، مصادر آن نیز در حاشیه شماره ۸ آمده است.

<sup>۱۱</sup> . مصادر الشعر الجاهلی، ص ۱۳۹، چاپ پنجم، به نقل از مصاحف سجستانی، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

عمومیم گرفته و آن را می‌خواندم که به ورقه‌ای ناشناخته، با نوشته‌ای غیر معمول رسیدم، با دست آن را لمس کرده، دیدم بر گه‌های آن به هم چسبیده است.

آن را گشودم و دیدم صفات حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بدین گونه در آن آمده است که: نه کوتاه و نه بلند، سفید روی پرموی دو رشته که میان دو کتف او مهر [نبوت] است. بخشش او زیاد بوده و صدقه را نمی‌پذیرد. بر حمار و شتر سوار می‌شود و گوسفند را با دست خود می‌دوشد و لباس پشمینه می‌پوشد، و هر که چنین کند از کبر دوری جسته است، و او این کار را می‌کند. از ذریه و نسل اسماعیل بوده و نامش احمد است. سهل گوید: بدین جا که رسیدم، عمومیم سر رسید و چون آن ورقه را گشوده دید مرا کتک زد و گفت: تو را با گشودن این ورقه و خواندن آن چه کار؟ گفتم: در آن صفات احمد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

گفت: او هنوز نیامده است.<sup>12</sup>

بدین گونه «مصحف» را اسمی عام برای نوشته‌های جلد شده یافتیم، و اگر آنچه در روایت مصاحف ابن ابی‌داود آمده صحت داشته باشد که، ابوبکر قرآن را «مصحف» نامیده است، این نامگذاری تا زمان خلافت عثمان شهرت نیافته بود و این موضوع از دو روایت پیشین که از صحیح بخاری آوردم آشکار می‌گردد، و نامیدن قرآن به «مصحف» تنها بعد از آن دوران شهرت یافته، و در آن هنگام نیز، این نامگذاری منحصر به قرآن نبوده، بلکه در هر دو مکتب خلفا و اهل بیت علیهم‌السلام کتابهای دیگری به این نام بوده است که یکی از آنها مصحف فاطمه علیها‌السلام دخت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد.

#### **7. مصحف فاطمه علیها‌السلام دخت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله**

در روایات آمده است: «فاطمه علیها‌السلام دخت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را کتابی بوده به نام مصحف که خبرهایی از غیب در آن درج شده بود.» در کتاب بصائر الدرجات با بیش از یک سند از قول امام صادق علیه‌السلام آمده است که آن حضرت در جواب کسانی که نزد او آمده و از آنچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای علی علیه‌السلام و او برای حسن علیه‌السلام باقی گذارده، سؤال می‌کردند، فرمود:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چیزی را نزد ما باقی گذارده که همه آنچه بشر نیازمند آن است، حتی خسارت خراش ناخن نیز، در آن هست و فاطمه علیها‌السلام مصحفی باقی گذارده که قرآن نیست ... تا آخر حدیث.<sup>13</sup>

بنابراین، دخت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله - چنانکه گذشت - کتابی به نام مصحف داشته است. همان گونه که نام کتاب خالد بن معدان نیز، مصحف بوده است، و امامان اهل بیت علیهم‌السلام که این خبر را داده‌اند تصریح کرده‌اند که آن مصحف قرآن نبوده و چیزی از قرآن در آن نیست، بلکه اخبار حوادثی است که در آینده خواهد شد.

ولی با کمال تأسف، برخی از نویسندگان مکتب خلفا با افترا و تهمت گویند: مصحف فاطمه نزد پیروان مکتب اهل بیت، قرآنی دیگر است! در حالی که پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هرگز این سخن را درباره مصحف خالد نگفته‌اند.

#### **8. مصاحف صحابه**

<sup>12</sup> . طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۳۶۳، چاپ بیروت.

<sup>13</sup> . بصائرالدرجات، ص ۱۵۶. مشروح روایت در کتاب معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۲۲ آمده است.

بسیاری از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله مصحف‌هایی داشتند که هر یک از آنان قرآن را همراه آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر برخی از آیات آن می‌شنیدند می‌نوشتند. بنابراین، معنای مصاحف صحابه در عصر خود آنان می‌شود «قرآن نوشته شده با حدیث پیامبر در تفسیر برخی از آیات». همان گونه که در تفاسیر روایی آمده و تفسیر دُرّ المنثور سیوطی، در مکتب خلفا، و تفسیر برهان بحرانی در نزد پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، چنین‌اند.

#### نمونه‌هایی از مصاحف صحابه

#### الف) مصحف ام المؤمنین عایشه

از ابی‌یونس خادم عایشه روایت کنند که گفت: عایشه به من فرمود تا مصحفی برای او بنویسم و گفت: «هرگاه به این آیه رسیدی: حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی مرا خبر کن. [گوید:] هنگامی که به آن آیه رسیدم آگاهش کردم و او چنین املا کرد: «حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی - و صلاة العصر - و قوموا لله قانتین» عایشه گفت: این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم.

#### ب) مصحف ام المؤمنین حفصه

از ابو رافع خادم حفصه روایت کنند که گفت:

حفصه از من خواست تا مصحفی بنویسم و گفت: هرگاه به این آیه رسیدی: حافظوا علی الصلوات... بیا تا آن را همان گونه که فرا گرفته‌ام بر تو املا کنم. [گوید:] به آیه که رسیدم گفت: بنویس: «حافظوا علی الصلوات الوسطی - و صلاة العصر -»

بنابر آنچه گذشت، مصاحف در صدر اسلام، همانند کتابهای تفسیر در زمان ما، در بردارنده قرآن و بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر آیات آن بوده است.

پس از آن، سیاست خلفای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله - به خاطر مسائلی - بر آن شد تا قرآن را از حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله جدا کنند که شرح آن را بیان می‌داریم:

#### 9. سیاست جداسازی قرآن از حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله

برخی از آیات قرآن کریم در نکوهش بزرگان قریش و کسانی نازل شده که با رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌جنگیدند؛ و بخشی نیز، در نکوهش قبایل برخی صحابه قریشی، مانند آیه (60) سوره اسراء که درباره بنی‌امیه یا افرادی از صحابه می‌فرماید: وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ. و آن درخت نفرین شده در قرآن.

با این دو آیه سوره تحریم [5 - 4] که درباره ام المؤمنین عایشه و ام المؤمنین حفصه می‌فرماید:

إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ؛

اگر شما دو زن به سوی خدا باز گردید که دل‌های شما منحرف گردیده، [به سود شماست] و اگر بر علیه او [پیامبر] متحد شوید بدانید که خدا خود یار و مددکار او بوده و جبرئیل و صالح مؤمنان و فرشتگان، بعد از آن، پشتیبان او خواهند بود. و به دنبال آن می‌فرماید:

عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَيَّابَاتٍ وَأَبْكَارًا؛

ای بسا که اگر شما را طلاق گوید، خداوند زنانی بهتر از شما را نصیب او گرداند، زنانی مسلمان و مؤمن، تسلیم و تائب و

عابد و هجرت کننده، غیر دوشیزه و دوشیزه.

در برابر این آیات، آیات دیگری است که در مدح و ستایش دیگران نازل گردیده مانند آیه تطهیر در سوره احزاب [33] که درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل گردیده و فرموده:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛

خداوند، تنها اراده کرده تا رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

بیان شأن نزول این آیات و غیر آنها، که در حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده، با سیاست خلفای سه گانه مخالف بود. بدین خاطر، شعار: «حسبنا کتاب الله» را اعلام کرده و قرآن را از «حدیث» رسول الله صلی الله علیه و آله، بدین گونه جدا ساختند: ابتدا ابوبکر دستور داد نسخه‌ای از قرآن را جدای از «حدیث» رسول خدا صلی الله علیه و آله بنویسند. این کار در زمان خلافت عمر پایان یافت. وی پس از آن، کار خود را در منع و جلوگیری از نشر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کرد. پس از وفات عمر که میان برخی از صحابه و تابعین با بنی امیه و خویشاوندان عثمان درگیری و دشمنی پدید آمد، دشمنان آنان شروع به روایت احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله در نکوهش هیئت حاکمه خلافت کردند. به ویژه که هنوز مصاحف برخی از مخالفان با بیان رسول الله صلی الله علیه و آله در اختیارشان بود و به احادیث آن استدلال می کردند. عثمان که چنین دید به پاخاست و به تثبیت و اجرای این شعار پرداخت که: «قرآن را از حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله جدا کنید.»

پس از آن، نسخه جدای از حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله را از ام المؤمنین حفصه گرفته و از روی آن چند نسخه استنساخ و آنها را به شهرهای مسلمانان فرستاد و دیگر مصاحف صحابه را که صاحبانش، نص آیات را همراه با بیان و تفسیری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بودند در دست داشتند، همه را جمع کرده و آتش زد. دیگر مسلمانان نیز، پس از آن واقعه، مصحف‌های خود را از روی این مصحف که از بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله خالی بود استنساخ کردند. پس از آن، واژه «مُصْحَف» نامی شد عَلم برای قرآن مجرد و جدا از بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله. مرور زمان نیز باعث شد تا مسلمانان دوره‌های بعد ندانند که در مصاحف صحابه، نص قرآنی با بیان تفسیری رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه بوده است.

هنگامی که منصور خلیفه عباسی در سال 143 هجری علمای مسلمان را به تدوین علوم برانگیخت، و متخصصان علوم قرآنی به نوشتن بیان و تفسیر آیات - همان گونه که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود - مبادرت کردند، مُصْحَفی که در آن، نص قرآنی با بیان تفسیری آیات همراه بود، تفسیر نامیده شد.